

رابطه غرور و تقصیر

دکتر سید مرتضی قاسم زاده *

از دیرباز، تقصیر به عنوان یکی از پایه های مهم نظری مسؤلیت مدنی مورد توجه حقوقدانان و استادان حقوق در نظامهای مختلف حقوقی قرار گرفته است. اختلاف در تعریف و ماهیت آن فراوان و دارای مفهوم شخصی و نوعی است. امروزه تقصیر نوعی طرفداران بیشتری دارد. از طرف دیگر غرور در حقوق اسلام اهمیت به سزایی دارد. فقیهان اسلام ذیل قاعده فقهی «غرور» به تفصیل سخن گفته اند و آنرا یکی از موجبات ضمان معرفی کرده اند.

این مقاله پیرامون رابطه غرور و تقصیر نگاشته شده است. بدین منظور نخست به اختصار مفهوم، اقسام و دایره شمول غرور بررسی شده، سپس شرایط غرور در کامن لو انگلیس و شرایط و آثار آن در حقوق ایران و اسلام و نقش آن در اتلاف و تسبیب مورد مطالعه قرار گرفته است. چنانکه از شرایط تحقق غرور و دقت در مفهوم تقصیر نوعی بر می آید ارتباط متقابل آن دو محرز و مسلم است ولی این رابطه همواره یکسان نیست.

مقدمه (طرح مسأله)

تقصیر یکی از مبانی نظری مهم مسؤلیت مدنی است. بسیاری از کشورها

مسئولیت را بر پایه آن استوار می‌کنند آگاه مفهوم شخصی و گاه مفهوم نوعی آن را می‌پذیرند. در برخی از کشورها و پاره ای از نظامها دست کم از نظریه تقصیر به عنوان یک اصل و قاعده استفاده می‌شود. با اینکه در حقوق ایران نص صریحی در رد یا پذیرش اصل نظریه وجود ندارد اما استادان و حقوقدانان به استناد پاره ای از مقررات و قوانین و همچنین متون معتبر فقهی مفهوم نوعی تقصیر را پذیرفته اند. حتی کسانی که بیشتر احتیاط می‌کنند و به مسأله رابطه سببیت اهمیت می‌دهند می‌پذیرند که تقصیر برای برقراری رابطه سببیت ضروری است و بدون آن این رابطه در غالب موارد برقرار نمی‌شود.

در این مقاله پیرامون نظریه تقصیر، مفهوم، ارکان و آثار آن سخن به میان نمی‌آید بلکه با توجه به اهمیت مسأله تأثیر غرور در تقصیر بررسی و ابعاد آن در انواع زیانها (اعم از موارد اتلاف و تسبیب) روشن می‌گردد. هدف مقاله این است که بین غرور و تقصیر چه ارتباطی وجود دارد؟ آیا عمل مغرورکننده (غار) برای مغرور تقصیر نوعی است؟ یا غرور خود عنوان مستقلی است که در پاره ای از موارد مسؤلیت بیار می‌آورد. به نظر می‌رسد، مفهوم تقصیر نوعی که امروزه طرفداران زیادی دارد، با عنوان غرور قابل جمع است. یعنی غار در هر شرایطی مرتکب تقصیر می‌شود زیرا هرکسی موظف است طوری رفتار نماید که موجب اضرار دیگران نشود در غیر این صورت ضامن خواهد بود.

۱- مفهوم لغوی و حقوقی

غرور در لغت، خدعه و نیرنگ است و «دارالغرور» یعنی دنیایی که بازیور و زینت خویش انسان را فریب می‌دهد. غرور اسم فاعل است (بر وزن رسول) که مفید معنای مبالغه است و «غرّ الشخص» یعنی فریب خورد یا شیطان او را فریب داد. از همین قبیل

۱- در بیشتر نظامهای حقوقی، مسؤلیت مبتنی بر تقصیر است. در فرانسه (ماده ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ ق.م)، آلمان (مواد ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵ و ۸۳۹ ق.م)، سوئیس، ترکیه، استراليا، یونان، ژاپن، تایوان، ناپلند، اتحاد جماهیر شوروی سابق چکسلواکی سابق، نهمستان، مجارستان، رومانی، یوگسلاوی سابق، جمهوری خلق چین کشورهای اسکاندیناوی و کشورهای کامن لو در برخی از اعمال نامشروع زبان آور (TORIS) مسؤلیت مبتنی بر تقصیر است، برای مطالعه بیشتر ر.ک. سید مرتضی قاسم زاده، نظریه تقصیر در مسؤلیت مدنی (رساله دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲.

است فرمایش خداوند متعال: «یا ایها الانسان ما عزک بربک الکریم»^۱ یعنی ای انسان چه چیز تو را (فریفت) و نسبت به پروردگار کریمت مغرور ساخت و «غرر به تغریراً» یعنی او را در هلاکت انداخت. غار اسم فاعل است یعنی فریب دهنده و مغرور اسم مفعول است یعنی فریب خورده و غرور مصدر است یعنی فریب دادن.^۲ در روایات و عبارات فقهی غرور، خدعه و گاه تدلیس مترادف بکار رفته اند.^۳

غرر در اصطلاح فقهی و حقوقی در دو معنی به کار رفته است: معنی اول خطری است که در حصول مورد عقد وجود دارد، مانند خطری که وجود و عدم در آن مساوی است (شک) یا کسی که نمی داند آن را به دست می آورد یا نه؟ مانند پرنده ای که در هواست یا ماهی در داخل آب (دریا).^۴ معنی دوم غرر عبارت است از وادار کردن دیگری به تصرف زیانبار مالی و جانی بر علیه خود با آراستن ظاهر و اقناع او (شخص مغرور) به گونه ای که خود با اراده و اختیار اقدام زیانبار را انجام دهد.^۵

۲- اقسام

غرور موجب ضمان را به دو دسته تقسیم کرده اند: غرور قولی و غرور عملی. غرور قولی آن است که شخص غار با بیان عبارات و الفاظی که مشوق و برانگیزنده مغرور است او را به تصرفات زیانباری وادار سازد که هرگاه به طور متعارف، نتیجه این گونه الفاظ و عبارات ورود ضرر به مغرور باشد، غار باید آن را جبران نماید. در غرور فعلی شخص فریب دهنده با انجام دادن عملی موجب مغرور شدن دیگری می شود

۱- آیه ۶ سورة الانفطار.

۲- المصباح، لسان لعرب، المعجم الوسیط، دائرة المعارف القرن العشرين، ماده غر.

۳- برای مطالعه بیشتر ر.ک: السید روح الله الموسوی الخمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۳۳۵ به بعد؛ شیخ محمد حسن نجفی جواهر الکلام، ج ۳۳، ص ۲۲۹ به بعد.

۴- کاسانی، بدایع الصنایع، ج ۵، ص ۱۶۳؛ قرافی، الفروق، ج ۱، ص ۱۰۵ و ج ۳، ص ۲۶۵، نقل از محمد احمد سراج ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی، ۳۳۵؛ در فقه امامیه نیز غرر و خطر با هم و در معنای مشابه استعمال شده اند، احمد نراقی، عواید الایام، ص ۲۸؛ شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲، ص ۴۴۰؛ شهید ثانی مسالک الافهام، ج ۱، ص ۲۱۴.

۵- مرجع پیشین، ص ۳۳۶، میرزا حسن موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۲۵، عبدالفتاح بن علی المرعفی الحینی، عناوین، عنوان ۵۹، ص ۳۲۳ به بعد.

برای مثال اگر شخصی چهار پایی را برای حمل بار اجاره کند و از چموش بودن آن اطلاعی نداشته باشد و صاحب حیوان با علم به این قضیه مستاجر را باخبر نسازد، ضامن است.^۱

۳- دایره شمول

در وسعت و دایره شمول غرور اختلاف نظر وجود دارد، برخی مفهوم آن را محدود و مضیق دانسته و محدود به موارد ذیل می‌دانند:

الف - غرور ضمن عقدی از عقود معاوضی به وقوع پیوسته باشد. به موجب ماده ۶۵۸ «مجله الاحکام العدلیة»: «اگر یکی از طرفین عقد معاوضی، دیگری را مغرور بکند، ضامن خسارات وارد بر او است مانند کسی که زمینی را از دیگری می‌خرد و بنایی را در آن ایجاد می‌کند و سپس دیگری که مستحق آن است آن را ضبط می‌کند در این صورت مشتری قیمت روز تسلیم زمین و بنارا از بایع می‌گیرد و همچنین است اگر کسی به اهل بازار بگوید: این کودک فرزند من است، من به او اجازه خرید و فروش داده‌ام، به او کالا بفروشید، آنگاه معلوم گردد که فرزند او نیست اگر اهل بازار (تجار) به آن بچه کالا، نسبه بفروشدند می‌توانند ثمن کالا را از آن شخص مطالبه نمایند و...»^۲

ب - شخص غار و صف سالم بودن را به نفع طرف مقابل (تضمین) تعهد نموده باشد، برای مثال هرگاه کسی به مسافران بگوید از این راه بروید اگر زبانی به شما وارد شد من ضامنم، در واقع طرفداران این نظریه یک نوع قرارداد مسؤلیتی را بین غار و مغرور تجویز می‌نمایند البته به عقیده آنها این قرارداد (تضمین) باید الزام آور باشد وگرنه هرگاه صرفاً راهنمایی و اظهار نظر و اعلان نصیحت باشد، مسؤلیتی به دنبال نخواهد داشت و در صورت تردید، اصل عدم ضمان است. بنابراین شاهد دروغگو

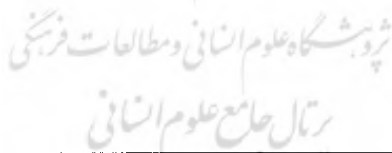
۱- محمداحمد سراج، ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی، ص ۳۳۶ و ۳۳۷، همچنین است اگر سماری کالای مردم را که برای فروش گرفته است به یکی از شاگردان و عمالش تأدیه کند در صورتی که به خیانت (درامانت) و نادرستی او هم اطلاع دارد، در این صورت اگر مال مردم ضایع و تلف شود، سمارضامن است؛ ابی محمدغانم البغدادی، مجمع الضمانات فی مذهب الامام الاعظم ابی حنیفه النعمان، ص ۵۲، نقل از محمداحمد سراج، همان مرجع، ص ۳۳۷.

۲- محمداحمد سراج، ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی، ص ۳۳۷.

کسی که غذای فاسد را در اختیار دیگری می‌گذارد، کسی که اسباب بازی زیان آور را (باقصد اضرار) به کودکی هدیه می‌کند و ... ضامن است.^۱

ج - غرور در امری باشد که منافع آن به شخص غار بر می‌گردد. برای مثال اگر مورد عاریه مستحق للغير درآید و بدون تعدی و تفریط مستعیر تلف شود معیر ضامن است زیرا عاریه به مصلحت او انجام شده و ید مستعیر به نیابت از جانب او به طور امانی بر مورد عاریه قرار گرفته است و مستعیر هم به معیر نمی‌تواند مراجعه نماید (در صورت مستحق للغير در آمدن مورد عاریه) زیرا به مصلحت خویش اقدام نموده و مسوولیتش برعهده خویش است.^۲

گروه دوم مفهوم وسیعتری را از غرور ارائه می‌نمایند و قصد و عمد غارو فریب دهنده را شرط تحقق مسوولیت او نمی‌دانند زیرا به عقیده این گروه در این گونه اعمال قصد و نیت فاعل شرط نمی‌باشد و مانند قیام و قعود و عمل ضارب و موقعیت مضروب نتیجه مورد نظر بدون قصد و عمد حاصل می‌گردد^۳ بنابراین اگر فضول صفت خویش را بر مشتری پوشیده و مکتوم نگاه بدارد و به او زیان برسد، حق مراجعه به فضول را خواهد داشت و همچنین است شاهدهای دروغین اگر چه قصد اضرار نداشته باشند و خود نیز جاهل بر قضیه باشند.



۱- در کامن لو به سال ۱۹۳۲ در قضیه Donoghue 7. steevson مسوولیت تولیدکننده (کالای زیان آور) پذیرفته شده است، ر.ک: مرجع پیشین، ص ۳۳۸، زیرنویس شماره ۲.

۲- محمد احمد سراج، مرجع پیشین، ص ۳۳۹، ظاهراً این نظر مشهور است و برخی از مکاتب اسلامی (برخی از فقها) نظر مخالف دارند، ر.ک: ابی ولید محمد بن احمد بن رشد معروف به ابن رشد، بدایة المجهتد و نهایة المقتصد، ج ۲، ص ۲۳۵، علاءالدین ابی بکر بن مسعود کاسانی، بدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع، ج ۶، ص ۲۳۵؛ علاءالدین ابی بکر بن مسعود کاسانی، بدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع، ج ۶، ص ۲۱۷، سلیم رستم بازاللبنانی، شرح المجله، ص ۴۵۰.

۳- سید مصطفی محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۳۶، در این گونه موارد غرور موجب زیان دیگری شده است و برای غار مسوولیت ایجاد می‌کند زیرا: اطلاق المغرور برجع الی من غره و سبب واقع شدن غار برای ورود زیان و عدم مدخلیت عمد و قصد در صدق عنوان اغراء از ادلة مسوولیت غار به شمار می‌روند و در مقبول بودن آنها تردیدی وجود ندارد.

۴- شرایط غرور در کامن لو

مفاد قاعده غرور در کامن لو نیز تحت عنوان 'Deciet' معروف است و در صورتی موجب مسوولیت می‌گردد که فریب دهنده قصد اضرار داشته باشد. شرایط چهارگانه ذیل در کامن لو برای تحقق مسوولیت فریب دهنده ضروری است:^۲

اول - نیرنگ و فریب واقع شده باشد به طوری که واقعیت کتمان شود.
دوم - واقعیت موجود مکتوم شده باشد نه آینده، در توضیح این شرط به قضیه *V.wadham wales* (به سال ۱۹۷۷) اشاره می‌کنند که اگر کسی به یکی از زنان بگوید دیگر بار ازدواج نخواهد کرد از آینده خبر داده است و موجب مغرور واقع شدن او نمی‌شود اما در موضوع دیگری (*Edginton v. Fitzmaurice*) که در سال ۱۸۸۵ رأی آن صادر شد و همچنین چند رأی دیگر حاکی از این است که: اگر مدعی علیهم اطلاعات و اخبار دروغ بدهند، مسوولیت دارند.

سوم - فریب دهنده قصد فریب و تدلیس داشته باشد.

چهارم - مدعی علیه مطابق قصد و نیت فریب دهنده تصرفاتی را بنماید و از این راه به او زیانی برسد وگرنه اگر تصرفات دیگری بنماید موجب مسوولیت نخواهد بود.^۳

۵- شرایط و آثار غرور در حقوق اسلام و ایران (رابطه غرور و تقصیر)

باینکه از مفهوم غرور و مدارک این قاعده^۴ بر می‌آید که غار طرف مقابل (یعنی مغرور) را فریب می‌دهد و با لفظ یا فعل او را در ارتکاب فعل زیانبار مغرور می‌سازد اما در غرور قصد و عمد غار از جمله شرایط تحقق مسوولیت او نیست بلکه اغراء از جمله مواردی است که در صدق عنوان آن قصد و عمد لازم نمی‌باشد بلکه بدون قصد و عمد

1- See: G.H.L.Fridman, *Fridman on Torts*, Watertlow publishers, 1990, No 17.01, P.451.

2- Ibid, No 17.04-17.16.

3- Dias and Markesinis, *Tort Law*, clarendon press, OXford, 1984, p. 104-184-185-186-187.

۴- در مسوولیت غار به ترتیب آتی استدلال شده است: الف - غار سبب اقوی از مباشر (مغرور) است، ب - قاعده معروف المغرور یرجع الی من غره و حکم عقل دلالت دارد بر اینکه غار باید ضامن باشد، ج - غار سبب ورود ضرر است و بر اساس قاعده لا ضرر (بر طبق یکی از نظرها) مغرور می‌تواند به غار مراجعه نماید.

نیز محقق می شود بنابراین در مثل نقش غرور مانند عمل ضارب است که بدون قصد هم صدق عنوان ضرب بر آن صحیح می باشد^۱ در نتیجه برای تحقق اغراء شرایط ذیل لازم است:

الف - صدق عرفی عنوان اغراء چنانچه گذشت، برای مسؤلیت غار قصد و عمد لازم نیست اما هنگامی که طرف مقابل جاهل به واقعه باشد به قاعده غرور نمی توان استناد نمود.^۲

ب - برقراری رابطه سببیت بین عمل یا قول (لفظ) غار با زیانهای وارد. باید توجه داشت که در شرط نخست به عمل غار توجه شده است و در شرط دوم به این نکته تاکید می گردد که زیانها باید به غار نسبت داده شود. بنابراین، شرایط ویژه شخص مغرور و عمل و جهل او در تحقق اغراء موثر خواهد بود و رابطه عرفی مذکور (رابطه سببیت مورد بحث) مبنای مسؤلیت غار است. پس همان طور که اشاره شد و در جای خود به تفصیل بیان گردیده است: دیگر تقصیر شخصی طرفداران زیاده ندارد بلکه مفهوم نوعی آن طرفداران زیاده را به خود جلب کرده است براساس این نظر می توان گفت: غار در هر شرایطی مرتکب تقصیر می گردد زیرا هرکسی موظف است که طوری رفتار نماید که موجب اضرار دیگران نشود، در غیر این صورت ضامن خواهد بود.^۳

باید این نکته را نیز یاد آور شد که: فعل غار اگر از جمله افعال مشروع باشد، هیچ گونه مسؤلیتی به دنبال نخواهد داشت مگر اینکه صاحب حق در اجرای آن مرتکب تقصیر شده باشد (تقصیر در اجرای حق).^۴

۱- سید مصطفی محقق داماد، حقوق خانواده، ص: ۳۶، قواعد فقه، همان نویسنده، ص: ۱۷۸ و ۱۸۰.
 ۲- سید محسن حکیم، نهج الفقاهة، ج ۱، ص: ۲۶۹ و ۲۷۳، میرزا علی نقی طباطبایی، الدرّة الحائریه، ص: ۲۶، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، حاشیه بر مکاسب، ص: ۴۵ و ملا احمد نراقی، نقل از: ناصر، کاتوزیان، همان، ص: ۸۹ (زیرا غرور به معنی خدعه و تدلیس است و در مورد جاهل به واقعه صدق نمی کند).
 ۳- محمد مصطفی شلبی، احکام الاسرة فی الاسلام، ص: ۷۲ و ۷۳؛ عبدالفتاح بن علی المرغی الحسینی، عناوین، عنوان ۵۹، ص: ۳۲۲ به بعد؛ محمد احمد سراج، ضمان العبدوان فی الفقه الاسلامی، ص: ۳۳۹.
 ۴- برخی از حقوقدانان شرط اول را به دو شرط تجزیه کرده اند و این شرایط را برای تحقق اغراء لازم دانسته اند: جهل مغرور به ضرر، انتساب ضررها به غار (غار سبب ورود ضرر گردد) و قصد یا افعال غار. شرط چهارمی نیز به این شرایط افزوده و گفته اند: غرور در برخی از عقود معاوضی یا تصرفاتی که منافع آن به غار بر می گردد ادامه پاورقی در صفحه بعد

۶- نقش غرور در اتلاف و تسبیب

چنانکه در جای خود بحث شده است،^۱ مبنای مسؤلیت در اتلاف به مباشرت و تسبیب با همدیگر متفاوت است و حقوق اسلام در هر دو مورد از یک قاعده استفاده نکرده است. در مورد اتلاف به مباشرت به برقراری رابطه سببیت و اسناد اتلاف توجه شده است و این قاعده خواه مدرک آن حدیث نبوی باشد یا یک قاعده اصطیادی باشد متفق علیه است اما در اتلاف به تسبیب به عنوان یک قاعده پذیرفته شده است که: تقصیر مبنای مسؤلیت باشد مگر در مواردی که قانونگذار به صراحت مبنای دیگری را پیش بینی کرده یا یک مسوولیت عینی قرارداد داده باشد بنابر این غرور در اتلاف زمانی موجب معاف شدن متلف خواهد بود که به عنوان یک سبب قوی رابطه عرفی بین تلف و فعل شخص را قطع بکند. به سخن دیگر برای نسبت دادن زیان به غار رابطه سببیت بین فعل مغرور کننده و زیان وارده لازم و ضروری است. و در موارد اتلاف به تسبیب چون اصولاً تقصیر مبنای مسؤلیت است مغرور می تواند با استناد به قاعده غرور خود را بی تقصیر بداند و از مسؤلیت معاف گردد مشروط بر اینکه عمل غار عرفاً رابطه سببیت بین عمل اتلاف کننده و زیانهای وارده را قطع نماید و از موارد اقوی بودن سبب از مباشر باشد. بدیهی است که در این گونه موارد: «دلیل سقوط ضمان (مشروعیت فعل اتلاف کننده) نبودن تقصیر به دلیل جهل است نه فعل مغرور کننده زیرا ناآگاهی از موانع ایجاد مسؤلیت است و فعل را مباح می سازد.»^۲ بنابر این عمل مغرور را می توان از جمله اعمال مباحی دانست که برای او ایجاد مسؤلیت نمی کند (در صورتی که شرایط اغراء جمع باشد).

بقیه پاورقی از صفحه قبل

یا درجایی که غار به ضمان راضی باشد، نیز جاری می گردد. محمداحمد سراج، همان، ص ۳۳۹؛ اناهمان طور که گفته شد ضابطه صدق عرفی اغراء می تواند، در کنار رابطه سببیت بین فعل غار و زیانهای وارده، در برگیرنده تمام شرایط مذکور باشد.

۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک: سید مرتضی قاسم زاده، همان، ص ۱۴۰ به بعد.

۲- ناصر، کاتوزیان، ضمان قهری، ص ۱۷۵.

۷- نتیجه

چنانکه گذشت (ر.ک: ش ۴) برخی در تحقق مفهوم حقوقی غرور، عمد و قصد را شرط می‌دانند و گروهی مفهوم وسیعتری از آن را پذیرفته و عمد و قصد را در آن دخالت نداده‌اند. تقصیر نیز دارای مفهوم شخصی (سنتی) یا نوعی است. با اینکه غرور خود عنوان مستقلی دارد و در ذیل یک قاعده فقهی مورد بحث قرار می‌گیرد و تقصیر عنوان مستقل دیگر و بیشتر در حقوق جدید مورد توجه قرار گرفته است اما این دو مفهوم حقوقی و فقهی ارتباط متقابل دارند. غرور در مفهوم نخست با تقصیر شخصی (نظریه سنتی تقصیر) قابل جمع است یعنی اعمال یا اقوال غرور آمیز هنگامی تقصیر محسوب می‌شوند که از روی عمد و قصد باشند ولی غرور در مفهوم اخیر (معنی وسیع) با نظریه تقصیر نوعی هماهنگ و سازگار است یعنی رفتار مغرورکننده با یک شخص متعارف در شرایط خارجی حادثه زیانبار سنجیده می‌شود. بنابراین در مسئولیتهای مبتنی بر تقصیر زیان دیده می‌تواند به استناد تقصیر یا غرور فاعل زیان (شخص غار) را تحت پیگرد قانونی قرار بدهد ولی در مسئولیتهای بدون تقصیر صدق عرفی عنوان غرور کافی است و اثبات تقصیر ضرورتی ندارد. در صورتی که مفهوم شخصی تقصیر با غرور نوع دوم سازگار نیست یعنی هرگاه مسئولیت مبتنی بر تقصیر شخصی باشد، مسئولیت محقق نمی‌شود و خواننده مسؤول قرار نمی‌گیرد با وجود این زیان دیده می‌تواند فاعل زیان را به خاطر ارتکاب اعمال یا اقوال غرور آمیز مسؤول بداند و چنانکه گفته شد، صدق عرفی اغراء برای مسئولیت فاعل زیان کافی است.



پښتونستان د علومو او مطالعات فریښی
پرتال جامع علوم انسانی